

واکاوی علل عداوت و بغضاء و راهکارهای رفع آن از منظر تفاسیر فریقین

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵

محمود نثاری نیا^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۷

چکیده

مسئله محوری در این پژوهش بررسی دو وصف مذموم «عداوت» و «بغضاء» است. این دو صفت نکوهیده، یعنی دشمنی و کینه‌توزی، افزون بر آنکه در حوزه اخلاق از جمله ردایل اخلاقی به شمار می‌آیند، از منظر اجتماعی نیز به دلیل ایجاد تفرقه و تضعیف وحدت در میان جامعه مسلمانان، صفاتی ناپسند و زیان‌بار محسوب می‌شوند. در قرآن کریم نیز آیاتی وجود دارد که بر نکوهش این دو صفت دلالت دارد. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، به واکاوی علل پیدایش عداوت و بغضاء و نیز بررسی راهکارهای رفع آن‌ها از منظر تفاسیر فریقین می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از منظر اخلاقی، عواملی همچون حسادت، تکبر و کینه‌توزی از مهم‌ترین منشأهای شکل‌گیری عداوت به شمار می‌آیند. همچنین از منظر اجتماعی، عواملی نظیر اختلاف و تفرقه و نیز رباخواری در پیدایش این پدیده نقش دارند. در مقابل، راهکارهای اخلاقی مانند تقویت ایمان، صبر و توصیه به نجوا و گفتار نیک، و نیز راهکارهای اجتماعی همچون تقویت اتحاد، گسترش دوستی با متقین و اصلاح ذات‌البین، از جمله مهم‌ترین راه‌های کاهش و رفع عداوت و بغضاء معرفی شده‌اند. واژگان کلیدی: علل عداوت، بغضاء، جامعه اسلامی، راهکار اجتماعی، تفاسیر فریقین.

۱. دانش‌پژوه سطح چهار، تفسیر و علوم قرآنی، مؤسسه آموزش عالی ائمه اطهار (ع)، قم، ایران.

مقدمه

موضوع پژوهش حاضر، بررسی دلالت آیاتی از قرآن کریم بر دو وصف نکوهیده و ناپسند اخلاقی، یعنی «عداوت» و «بغضاء» است. این دو وصف، از عوامل مؤثر در ایجاد تفرقه، اختلاف و نفاق در جامعه به شمار می‌آیند. به بیان دیگر، عداوت و بغض، حاصل تشتم و تفرقه در قلوب، عقاید و آراست (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۳۶/۶). از این رو، هر چند این صفات نکوهیده از مسائل مبتلا به همه جوامع بشری است، وجود آن‌ها در میان مسلمانان، با توجه به آموزه‌های قرآن کریم و نکوهش و توبیخی که از سوی خداوند متعال در آیه شریفه ﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ اَنْ صَدُّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اَنْ تَعْتَدُوْا﴾^۱ (حشر: ۱۴) وارد شده، جای تأمل و تأسف فراوان دارد؛ زیرا این آیه در حقیقت بیانگر قانونی جامع از جانب خداوند متعال برای مسلمانان است؛ بدین معنا که مسلمانان نباید کینه‌توز باشند. در حقیقت، خداوند متعال با این قانون جامع، جامعه مسلمانان را مورد عتاب و سرزنش قرار داده است؛ زیرا بدخلقی از نوع دشمنی و کینه‌توزی، از مهم‌ترین و مؤثرترین منشأهای نفاق و تفرقه در هر اجتماع به شمار می‌آید.

از این رو، صدور این دستور اسلامی، یعنی پرهیز از کینه‌توزی، برای جلوگیری از شعله‌ور شدن آتش نفاق و اختلاف در میان مسلمانان است.

پرسش اصلی پژوهش آن است که از منظر قرآن کریم، علل عداوت در میان مسلمانان و راهکارهای رفع آن چیست؟

بر همین اساس، نگارنده در این پژوهش، به‌اختصار مهم‌ترین علل اخلاقی و اجتماعی عداوت را بررسی کرده و سپس راهکارهایی اخلاقی، مانند پایداری در ایمان، صبر و نجوا به نیکی، و راهکارهایی اجتماعی، مانند اتحاد، الفت میان قلوب، عدالت‌ورزی و اصلاح ذات‌البین را تبیین می‌کند؛ راهکارهایی که در رفع عداوت از جامعه اسلامی تأثیر بسزایی دارند.

۱. «و خصوصت با جمعیتی که شما را از آمدن به مسجدالحرام (در سال حدیبیه) بازداشتند، نباید شما را وادار به تعدی و تجاوز کند».

۱. پیشینه پژوهش

کتاب‌ها و مقاله‌های فراوانی به صورت غیرمستقیم و از منظر اخلاقی یا اجتماعی درباره این موضوع نگاشته شده است. برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. مقاله «ریشه‌ها، علل و پیامدهای کینه‌توزی از منظر آموزه‌ها و اخلاق اسلامی»، نوشته بابک شمشیری، منتشرشده در مجله علوم تربیت از دیدگاه اسلام، شماره ۱۴، سال ۱۳۹۹ش، صفحات ۱۴۳-۱۶۴. نویسنده در این پژوهش کوشیده است مسئله کینه‌توزی را به عنوان معضلی روحی و روانی در سطح جامعه معرفی کرده و راهکارهایی برای آن ارائه دهد.

۲. مقاله «راهکارهای ایجاد وحدت در جامعه از دیدگاه قرآن»، نوشته شهین سالاروند، منتشرشده در مجله معرفت، شماره ۱۹۸، سال ۱۳۹۳ش، صفحات ۱۳۱-۱۴۴. نویسنده در این مقاله، پس از بیان اهمیت وحدت و ضرورت دوری از تفرقه، راهکارهایی از قرآن کریم ارائه کرده است. ارتباط این مقاله با پژوهش حاضر از آن جهت است که یکی از راهکارهای مطرح شده در آن، یعنی راهکار وحدت یا اتحاد، از جمله راهکارهای رفع عداوت در پژوهش حاضر نیز به شمار می‌آید.

مقاله پیش رو، در مقایسه با پژوهش‌های مشابه، دارای چند امتیاز است: نخست آنکه عنوان بحث به منزله یک قاعده و قانون قرآنی مطرح شده است؛ دوم آن که موضوع از دو جهت اخلاقی و اجتماعی بررسی می‌شود؛ سوم آنکه علل عداوت بر پایه آیات شریف قرآن کریم تبیین می‌گردد؛ و چهارم آنکه راهکارهای مناسب برای رفع عداوت نیز از قرآن کریم استخراج و ارائه می‌شود. همچنین تا حد امکان تلاش شده است که پژوهش حاضر، نگاهی کاربردی در حوزه اخلاق داشته باشد و صرفاً به رویکردی نظری و انتزاعی محدود نماند.

۲. مفهوم‌شناسی

در این بخش، واژگان پرکاربردی که در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته‌اند، مفهوم‌شناسی می‌شوند.

۱-۲. عداوت

عداوت در لغت به معنای دشمنی و روی گردانی است. فیروزآبادی می‌نویسد: دشمنی ضد دوستی است. جمع «عدو»، «اعداء» و جمع الجمع آن «أعداء» است که هر دو به معنای دشمنان‌اند و مصدر «عدو»، «عداوت» به معنای دشمنی است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق: ۴۰۵/۴).

در اصطلاح، عداوت در برابر صداقت و ولایت قرار دارد؛ زیرا صدیق و ولی از حقوق دیگران حفاظت می‌کنند، اما عداوت به معنای تجاوز به حقوق دیگران است (مصطفوی، ۱۳۶۸ش: ۶۳/۸).

۲-۲. بغض

بغض در لغت به معنای کراهت، انزجار و کینه است. احمد بن فارس می‌نویسد: بغض بر کینه و تنفر دلالت دارد و گفته شده است: «او را دشمن داشت» یا «از او کینه به دل گرفت» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۲۷۳/۶).

در اصطلاح، بغض آن است که نفس انسان از چیزی به گونه‌ای کراهت و نفرت داشته باشد که این حالت به بی‌میلی و دوری از آن چیز بینجامد. این معنا در برابر محبت قرار دارد؛ زیرا محبت به معنای میل یافتن انسان به چیزی است که به آن علاقه‌مند است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۴ق: ۲۹۴/۱).

تفاوت عداوت و بغض در این است که عداوت به معنای دشمنی‌ای است که موجب دور شدن از یاری می‌شود و ضد آن دوستی است؛ یعنی انسان وقت خود را صرف یاری رساندن کند. در مقابل، بغض به معنای به کار گرفتن کینه با هدف تحقیر است و ضد آن محبت و دوست شمردن است؛ یعنی تصمیم بر تعظیم و بزرگداشت کسی گرفتن. به طور خلاصه، عداوت دشمنی در ظاهر است، اما بغض کینه‌ای درونی است (عسکری، ۱۴۰۰ق: ۱۲۴/۱).

مؤید دیگر بر تفاوت ظاهری و باطنی این دو واژه، سخن علامه طباطبائی است. ایشان در این باره می‌نویسد: عداوت، تجاوز در عمل است و مقصود از بغضاء، تنفر در قلب است (طباطبائی، ۱۳۷۴ش: ۳۶/۶).

۳. علل عداوت و بغضاء

۳-۱. علل اخلاقی عداوت و بغضاء

تبیین علل معنوی و اخلاقی عداوت و بغضاء از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا شناخت این علل، از نظر معنوی به فرد انگیزه و توان می‌دهد تا پس از شناسایی عوامل پیدایش این دو صفت، خود و جامعه خویش را از گرفتار شدن در این معضل اجتماعی حفظ کند. از سوی دیگر، این شناخت به او امکان می‌دهد که در صورت مواجهه با این پدیده، مناسب‌ترین واکنش را از خود نشان دهد. از این رو، در ادامه، علل و عواملی که در ظهور و بروز عداوت و بغضاء مؤثرند، تبیین می‌شود.

۳-۱-۱. حسادت

حسد یکی از صفات نکوهیده و ناپسند در قرآن کریم است و از عوامل مؤثر در ایجاد عداوت و کینه‌توزی به شمار می‌آید. از جمله آیاتی که در آن حسد به عنوان علت عداوت مورد استناد قرار گرفته، آیه شریفه ﴿فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُم لِبَعْضٍ عَدُوٌّ﴾^۱ (بقره: ۳۶) است.

درباره این که صفت نکوهیده حسد چگونه از عوامل عداوت و دشمنی به شمار می‌آید، برخی مفسران ذیل آیه شریفه مطالبی بیان کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۸۹ق: ۱۹۸/۱؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق: ۴/۶۶). بنابر نقل علامه طبرسی، از سوی حضرت آدم علیه السلام و ذریه او نسبت به ابلیس و ذریه‌اش دشمنی وجود نداشت، بلکه این دشمنی از سوی ابلیس و ذریه او و به سبب حسادت و مخالفت او با حضرت آدم علیه السلام و فرزندانش پدید آمد. بنابراین، هیچ سببی برای عداوت حضرت آدم علیه السلام نسبت به ابلیس وجود نداشت و اگر مخالفت و دشمنی‌ای پدید آمد، از جانب خود ابلیس بود؛ زیرا او به سبب رانده شدن از درگاه خداوند متعال، گرفتار حسادت و مخالفت با حضرت آدم علیه السلام شد. این حسادت، در نتیجه، دشمنی ابدی را برای او به همراه آورد.

۱. «پس شیطان موجب لغزش آنها از بهشت شد؛ و آنان را از آنچه در آن بودند، بیرون کرد. و (در این هنگام) به آنها گفتیم: «همگی (به زمین) فرود آید! در حالی که بعضی دشمن دیگری خواهید بود.»

از این بیان می‌توان عبرتی برای حسودان دریافت؛ زیرا آنان باید بدانند که وجود این صفت ناپسند در انسان، عاقبتی همانند سرنوشت ابلیس را در پی دارد؛ یعنی انسان را از دستیابی به هدایت الهی باز می‌دارد، مانع برخورداری او از رحمت الهی می‌شود و شقاوت دنیا و آخرت را به دنبال خواهد داشت (طبرسی، ۱۳۸۹ق: ۱۹۸/۱).

۳-۱-۲. کینه‌توزی

یکی دیگر از علل اخلاقی عداوت و بغضاء که آیات قرآن کریم به آن اشاره کرده‌اند، کینه‌توزی است. کینه‌توزی از مهم‌ترین و ناپسندترین عوامل معنوی و اخلاقی در ایجاد عداوت و بغض به شمار می‌آید. در این زمینه، به آیه شریفه ﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ اَنْ صَدُّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اَنْ تَعْتَدُوْا﴾^۱ (مائده: ۲) استناد شده است.

درباره کینه‌توزی به عنوان یکی از عوامل ایجادکننده عداوت و بغضاء، برخی مفسران ذیل آیه شریفه مطالبی بیان کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۸۹ق: ۱۹۴/۶؛ طباطبائی، ۱۳۷۴ش: ۲۴۲/۱۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۲۵۲/۴). بنابر نقل آیت‌الله مکارم شیرازی، پس از جریان پیمان حدیبیه، مشرکان مکه مسلمانان را از زیارت خانه خدا منع کردند. این امر سبب شد برخی مسلمانان پس از فتح مکه و اسلام آوردن مشرکان، درصدد تلافی برآیند و کینه‌ای را که در دل داشتند عملی سازند و آنان را از زیارت خانه خدا بازدارند. از این رو، خداوند مسلمانان را خطاب قرار داد و تأکید کرد که مسلمان نباید کینه‌توز باشد. این دستور صریح اسلامی از جانب خداوند متعال، افزون بر خاموش کردن آتش فتنه، زمینه ایجاد وحدت در میان مسلمانان را نیز فراهم ساخت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۲۵۲/۴).

۳-۱-۳. تکبر

یکی دیگر از صفات نکوهیده‌ای که در قرآن کریم مورد مذمت قرار گرفته و از مهم‌ترین علل اخلاقی عداوت و بغضاء به شمار آمده، صفت تکبر، بزرگ‌منشی یا فخرفروشی است. این صفت از منفورترین صفاتی است که در شمار عوامل معنوی و اخلاقی عداوت و بغضاء قرار می‌گیرد.

۱. «و خصوصت با جمعیتی که شما را از آمدن به مسجدالحرام (در سال حدیبیه) بازداشتند، نباید شما را وادار به تعدی و تجاوز کند.»

نخستین آیه‌ای که در این زمینه مورد استناد قرار گرفته، آیه شریفه زیر است:

﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُم مَّوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قِسْيسِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾^۱ (مائده: ۸۲).

برخی مفسران ذیل این آیه، درباره علت قرار گرفتن صفت فخرفروشی به عنوان یکی از عوامل مؤثر در ایجاد عداوت و کینه‌توزی مطالبی بیان کرده‌اند (طباطبائی، ۱۳۷۴ش: ۸۱-۸۰/۶؛ طبرسی، ۱۳۸۹ق: ۲۶۶/۲۱؛ مراغی، ۱۳۶۵ق: ۷-۵/۷).

علامه طباطبائی بیان می‌کند که خداوند متعال در این آیه به مهم‌ترین علل عدم دشمنی نصارا با مسلمانان و محبت فراوان آنان نسبت به مؤمنان اشاره کرده است. یکی از این عوامل، وجود عالمان فراوان در میان آنان است؛ عالمانی که خود به حق آگاهی یافته و سپس آن را به دیگران تعلیم داده‌اند. این ویژگی برخلاف رفتار علمای یهود است که کلمات کتاب خود را از جایگاه اصلی آن تغییر می‌دادند و حقایق کتابشان را کتمان می‌کردند. عامل دیگر محبت نصارا به مسلمانان، وجود زاهدان و افراد پارسا، وارسته و متقی در میان آنان است. آخرین عاملی که خداوند متعال در قرآن کریم برای آنان برشمرده، این است که نصارا ملتی متکبر نیستند و اهل فخرفروشی و استکبار به شمار نمی‌آیند (طباطبائی، ۱۳۷۴ش: ۸۱-۸۰/۶).

۳-۱-۴. نجوا به حرام (ایذاء)

از دیگر صفات رذیله اخلاقی که آیاتی از قرآن کریم به آن اشاره کرده‌اند، «نجوا به حرام» است. این صفت به عنوان یکی از علل معنوی و اخلاقی مؤثر در پیدایش عداوت و بغضاء به شمار می‌آید. مقصود از نجوا به حرام در این پژوهش، گفت‌وگوهای پنهانی‌ای است که موجب اذیت و آزار پیامبر ﷺ و مؤمنان و در نتیجه، ایجاد رنج و آسیب در میان جامعه مسلمانان شود.

از جمله آیاتی که بر نهی از چنین نجوایی دلالت دارد، آیه شریفه زیر است: ﴿يَا أَيُّهَا

۱. «بطور مسلم، دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان را، یهود و مشرکان خواهی یافت؛ و نزدیک‌ترین دوستان به مؤمنان را کسانی می‌یابی که می‌گویند: «ما نصاری هستیم»؛ این بخاطر آن است که در میان آنها، افرادی عالم و تارک دنیا هستند؛ و آنها (در برابر حق) تکبر نمی‌ورزند.»

الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالْقَوَىٰ ﴿٩﴾^۱
(مجادله: ۹).

برخی از مفسران قرآن کریم نجوا به حرام را از مهم‌ترین عوامل ایجاد عداوت و کینه‌توزی دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۸۹ق: ۳۷۶/۹؛ طبیب، ۱۳۶۹ش: ۴۵۳/۱۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۶۳۴/۲۳؛ مراغی، ۱۳۶۵ق: ۱۲/۲۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۲۲۰/۱۴).

آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر این آیه بیان می‌کند که اصل نجوا و گفت‌وگوی پنهانی، مادامی که از سوی مؤمنان و با نیت خیر صورت گیرد، امری ناپسند نیست و مورد نکوهش قرار نمی‌گیرد؛ اما هنگامی که چنین گفت‌وگوهایی از سوی افرادی مانند منافقان و برخی یهودیان انجام شود، غالباً هدفی ناپسند را دنبال می‌کند. این افراد از نجوا به عنوان ابزاری برای آزار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مؤمنان بهره می‌بردند؛ ازاین‌رو، خداوند متعال این گونه نجوا را مورد سرزنش قرار داده و مؤمنان را از آن نهی کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۴۳۴/۲۳).

۲-۳. علل اجتماعی و فرهنگی بروز عداوت و بغضاء

هدف از طرح علل اجتماعی و فرهنگی عداوت و بغضاء، شناخت مهم‌ترین مصادیقی است که قرآن کریم مسلمانان و جامعه اسلامی را از آن‌ها برحذر داشته است. شناخت این عوامل اجتماعی، افزون بر آنکه به درک دقیق‌تر زمینه‌های پیدایش عداوت و کینه‌توزی کمک می‌کند، می‌تواند نقش مؤثری در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و حفظ انسجام و همبستگی جامعه اسلامی ایفا کند. ازاین‌رو، در این بخش تلاش شده است مهم‌ترین عوامل اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری عداوت و بغضاء بر اساس آیات قرآن کریم بررسی شود.

۳-۲-۱. اختلاف و تفرقه

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های هر جامعه، به‌ویژه جامعه اسلامی، پدیده اختلاف و تفرقه است. این عامل از مؤثرترین علل اجتماعی در ایجاد عداوت و کینه‌توزی به شمار

۱. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که نجوا می‌کنید، و به گناه و تعدی و نافرمانی رسول (خدا) نجوا نکنید، و به کار نیک و تقوا نجوا کنید، و از خدایی که همگی نزد او جمع می‌شوید پرهیزید.»

می‌آید. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾^۱ (آل عمران: ۱۰۵).

مفسران قرآن کریم اختلاف و تفرقه را بلایی بزرگ در دین و مصیبتی دردناک برای جامعه بشری دانسته‌اند. این دو عامل، زمینه‌ساز شکل‌گیری دشمنی‌ها و کینه‌ها در میان افراد و گروه‌ها می‌شوند. ازاین‌رو، آیه شریفه به صراحت مسلمانان را از گرفتار شدن در دام تفرقه و اختلاف پس از روشن شدن حقایق بازمی‌دارد (طبرسی، ۱۳۸۹ق: ۱۹۴/۴؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق: ۲۱۶/۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۲۳۶/۲).

به نقل از علامه طبرسی^۲، هرچند شأن نزول این آیه درباره یهود و نصارا و اختلاف آنان در دین است، اما برخی مفسران دامنه آن را شامل جامعه مسلمانان نیز دانسته‌اند. بدین معنا که هرچند خطاب اولیه آیه متوجه اهل کتاب است، مسلمانان نیز باید از تفرقه و پراکندگی در دین خود پرهیز کنند.

همچنین برخی مفسران میان دو واژه «تفرقه» و «اختلاف» در آیه تفاوت قائل شده‌اند؛ به این معنا که تفرقه ناظر به دشمنی و جدایی در روابط اجتماعی است و اختلاف به اختلاف در دین اشاره دارد. ازاین‌رو، خداوند متعال در پایان آیه با بیان «عذاب عظیم»، زشتی و پیامدهای سنگین این دو صفت را یادآور شده و مسلمانان را از گرفتار شدن در چنین وضعیتی که ریشه بسیاری از دشمنی‌هاست، برحذر داشته است (طبرسی، ۱۳۸۹ق: ۱۹۴/۴).

۲-۲-۳. نقض میثاق

از دیگر صفات ناپسند اجتماعی که در قرآن کریم به شدت مورد نکوهش قرار گرفته، نقض عهد و پیمان است. لحن آیات قرآن در مذمت پیمان‌شکنی به گونه‌ای است که خداوند متعال ناقضان عهد را مورد لعن قرار داده و آنان را از زیانکاران معرفی می‌کند. ازاین‌رو، نقض میثاق یکی از مهم‌ترین علل اجتماعی و فرهنگی ایجاد عداوت و بغضاء به شمار می‌آید.

۱. «و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند؛ (آن‌هم) پس از آنکه نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید! و آنها عذاب عظیمی دارند.»

در این زمینه، آیه شریفه زیر قابل توجه است: ﴿وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ...﴾^۱ (مائده: ۱۴).

مفسران قرآن کریم ذیل این آیه، نقض میثاق را از عوامل مهم در پیدایش عداوت و بغضاء دانسته و به پیامدهای اجتماعی آن اشاره کرده‌اند. از جمله، علامه طباطبائی^۲ در تفسیر این آیه بیان می‌کند که حضرت عیسی^{علیه السلام} پیامبری بود که مردم را به صلح، صفا و نیکی دعوت می‌کرد و خود نیز از تعلقات دنیوی دوری می‌جست. با این حال، پیروان او برخلاف تعالیمش رفتار کردند و به مواعظ و سفارش‌های وی بی‌اعتنا شدند. در نتیجه این بی‌توجهی و پیمان‌شکنی، خداوند متعال روح همدلی و صفا را از میان آنان برداشت و به جای آن، رنج، کینه و دشمنی را در میانشان پدید آورد. بدین ترتیب، عداوت و بغضاء به صورت صفتی پایدار در میان آنان باقی ماند (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۵/۳۹۳).

بر اساس این تفسیر، روشن می‌شود که پیمان‌شکنی تا چه اندازه می‌تواند پیامدهای منفی برای جامعه به همراه داشته باشد. از این رو، مسلمانان نیز باید از گرفتار شدن در چنین صفتی پرهیز کنند؛ زیرا نقض میثاق می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری دشمنی و کینه‌توزی در جامعه اسلامی شود.

۳-۲-۳. ربا خواری

رباخواری نیز در قرآن کریم به عنوان یکی از صفات ناپسند اجتماعی معرفی شده است. در برخی آیات، از این عمل به گونه‌ای یاد شده که گویی نوعی اعلان جنگ با خداوند و پیامبر^{صلی الله علیه و آله} است. این امر نشان‌دهنده شدت قبح و پیامدهای منفی آن در جامعه است. از جمله آیاتی که در این زمینه مورد استناد قرار گرفته، آیه زیر است: ﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَ يُزِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ﴾^۲ (بقره: ۲۷۶).

۱. «و از کسانی که ادعای نصرانیت (و یاری مسیح) داشتند (نیز) پیمان گرفتیم: ولی آن‌ها قسمت مهمی را از آنچه به آنان تذکر داده شده بود فراموش کردند؛ از این رو در میان آن‌ها، تا دامنه قیامت، عداوت و دشمنی افکندیم.»

۲. «خداوند، ربا را نابود می‌کند؛ و صدقات را افزایش می‌دهد! و خداوند، هیچ انسان ناسپاس گنهکاری را دوست نمی‌دارد.»

هرچند در ظاهر این آیه به طور مستقیم به مسئله عداوت اشاره نشده است، اما با توجه به توضیحات مفسران می توان دریافت که رباخواری از عوامل اجتماعی مؤثر در شکل گیری دشمنی و کینه در جامعه است. برخی مفسران در ذیل این آیه به آثار زیان بار اقتصادی و اجتماعی ربا اشاره کرده اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ۳۷۱/۲؛ مراغی، ۱۳۶۵ ق: ۶۵/۳؛ رشید رضا، ۱۴۱۴ ق: ۱۰۰/۳).

بر اساس نقل آیت الله مکارم شیرازی، خداوند متعال انسان ناسپاس و گناهکاری را که آثار و برکات انفاق را نادیده گرفته و به رباخواری روی آورده است، دوست نمی دارد. چنین فردی با رفتار خود در حقیقت به مقابله با فرمان الهی برخاسته و مستحق مجازات الهی می شود. افزون بر این، رباخواری از آنجا که غالباً به استثمار طبقات ضعیف جامعه می انجامد، زمینه پیدایش کینه و دشمنی را در میان افراد فراهم می کند. بدین ترتیب، رباخوار با رفتار خود بذر عداوت را در جامعه می پراکند و همین امر می تواند پیامدهایی همچون نزاع، تجاوز به اموال و حتی آسیب های جانی را در پی داشته باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ۳۷۱/۲).

۴. راهکارهای رفع عداوت و بغضاء

۴-۱. راهکارهای اخلاقی عداوت و بغضاء

در این بخش، راهکارهای اخلاقی و اجتماعی رفع عداوت و بغضاء بر اساس آیات قرآن کریم و دیدگاه های مفسران شیعه و اهل سنت بررسی می شود. هدف آن است که مهم ترین راهکارهای مؤثر و کاربردی در کاهش و از میان بردن این معضل اخلاقی و اجتماعی از منظر قرآن کریم تبیین گردد.

۴-۱-۱. پایداری در ایمان

واژه «ایمان» در لغت به معنای اعتقاد و تصدیق آمده است (عمید، ۱۳۸۹ ش: ۱۹۴/۱). در آموزه های قرآن کریم، ایمان یکی از مهم ترین فضایل اخلاقی و از مؤثرترین راهکارهای معنوی در رفع عداوت و بغضاء به شمار می آید.

هرچند آیات فراوانی در قرآن درباره ایمان وجود دارد، اما در میان آن ها آیه ای وجود

دارد که به طور صریح ایمان را به عنوان عاملی مؤثر در از میان بردن دشمنی و کینه معرفی می کند: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ»^۱ (ممتحنه: ۴).

ظاهر آیه دلالت دارد بر این که ایمان به خداوند یگانه و پایداری بر این ایمان، راهکاری اساسی برای رفع عداوت و بغضاء است. در این آیه، حضرت ابراهیم علیه السلام در مقام احتجاج با مشرکان، ایمان به توحید را معیار پایان یافتن دشمنی و کینه معرفی می کند.

برخی مفسران قرآن کریم در ذیل این آیه به این نکته اشاره کرده اند که ایمان و پابندی به آن می تواند زمینه رفع دشمنی ها را فراهم آورد (طبرسی، ۱۳۸۹ق: ۳۶۳/۲۴؛ طباطبائی، ۱۳۷۴ش: ۳۹۴/۱۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۱۹/۲۴؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۲۰۵/۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۲۴۶/۱۴؛ سلطان علی شاه، ۱۴۰۸ق: ۱۶۹/۴).

به نقل از علامه طبرسی رحمه الله، حضرت ابراهیم علیه السلام در خطاب به مشرکان اعلام کرد که ما از شما و از آنچه غیر از خدا می پرستید بیزاریم و میان ما و شما دشمنی و کینه برقرار است تا زمانی که به خدای یگانه ایمان آورید. بدین ترتیب، ایمان به توحید و پابندی به آن به عنوان اساسی ترین راهکار برای رفع عداوت و کینه توزی معرفی شده است (طبرسی، ۱۳۸۹ق: ۳۶۳/۲۴).

۴-۱-۲. صبر (استقامت و شکیبایی)

صبر در لغت به معنای تحمل، شکیبایی و بردباری است (عمید، ۱۳۸۹ش: ۷۲۲/۱). یکی دیگر از فضایل اخلاقی که در قرآن کریم بر آن تأکید فراوان شده، صفت صبر و بردباری است. این صفت، پس از پایداری در ایمان، از مهم ترین راهکارهای معنوی و اخلاقی برای رفع عداوت و بغضاء در آیات قرآن کریم به شمار می آید.

۱. «برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت، در آن هنگامی که به قوم (مشرک) خود گفتند: «ما از شما و آنچه غیر از خدا می پرستید بیزاریم؛ ما نسبت به شما کافریم؛ و میان ما و شما عداوت و دشمنی همیشگی آشکار شده است؛ تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان بیاورید.»

از جمله آیاتی که می‌توان برای تبیین نقش صبر در رفع عداوت به آن استناد کرد، آیات شریفه زیر است: ﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا دُوحًا عَظِيمٌ﴾^۱ (فصلت: ۳۴-۳۵).

برخی از مفسران قرآن کریم ذیل این آیات، نکاتی را درباره راهکارهای رفع عداوت بیان کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۸۹ق: ۶۰/۲۲؛ طباطبائی، ۱۳۷۴ش: ۵۹۴/۱۷-۵۹۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۱۷۰/۱۵؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق: ۵۹/۲۵-۶۰؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق: ۴۲۸/۱۴).

علامه طباطبائی^{رحمه‌الله} ذیل این آیه، صبر و شکیبایی را راهکاری مؤثر در برابر دشمنی دانسته است. به بیان ایشان، آیه شریفه اثر دفع بدی دشمن را با نیکی تبیین می‌کند؛ بدین معنا که اگر انسان بدی‌های دشمن خود را به بهترین شیوه پاسخ دهد، ممکن است همان دشمن به دوستی نزدیک و دلسوز تبدیل شود. در آیه بعد نیز خداوند متعال به صبر به عنوان شرط دستیابی به چنین مقامی اشاره می‌کند. بنابراین، آیه شریفه صبر را از صفات ارزشمند اخلاقی می‌شمارد و آن را چنان مهم می‌داند که بدون آن، دیگر فضایل و خصلت‌ها اثر لازم را نخواهند داشت. ازاین‌رو، خداوند متعال برای پیامبر اکرم^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} از یکی از مهم‌ترین راهکارهای رفع خصومت و دشمنی پرده برمی‌دارد و صبر را به عنوان راهکاری ممتاز در رفع عداوت معرفی می‌کند (طباطبائی، ۱۳۷۴ش: ۵۹۴/۱۷-۵۹۵).

۴-۱-۳. نجوا به نیکی

واژه «نجوا» به معنای رازگویی، راز گفتن با یکدیگر و آهسته سخن گفتن دو نفر با هم است (عمید، ۱۳۸۹ش: ۱۰۱۳/۱). از جمله صفات پسندیده‌ای که قرآن کریم به آن توجه کرده، «نجوا به نیکی» است. نجوا اقسامی دارد و آن‌چه در این جا به عنوان راهکاری برای رفع عداوت و کینه‌توزی مطرح می‌شود، نجوای نیکو و پسندیده است که در برابر نجوای حرام و آزاردهنده قرار دارد.

۱. «هرگز نیکی و بدی یکسان نیست؛ بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است! اما جز کسانی که دارای صبر و استقامتند به این مقام نمی‌رسند، و جز کسانی که بهره عظیمی (از ایمان و تقوا) دارند به آن نایل نمی‌گردند.»

قرآن کریم در آیه شریفه زیر، مؤمنان را از نجوای گناه آلود نهی کرده و آنان را به نجوا بر اساس نیکی فرا می خواند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْإِيمَانِ...﴾^۱ (مجادله: ۹).

برخی مفسران قرآن کریم ذیل این آیه، نجوا به نیکی را از راهکارهای مؤثر در رفع عداوت و کینه توزی دانسته اند (طبرسی، ۱۳۸۹ق: ۳۷۶/۹؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۷۸/۱۹؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ۳۰/۲۸؛ زحیلی، ۱۴۱۱ق: ۳۵/۲۸؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق: ۲۲۷/۱۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۴۳۴/۲۳).

به نقل از ابن عاشور، مفسر اهل سنت، خداوند متعال در این آیه مؤمنان را مخاطب قرار داده و از آنان خواسته است که گفت و گوی پنهانی خود را برای خداوند خالص سازند؛ بدین معنا که اگر به نجوا می پردازند، سخن آنان بر محور نیکی باشد و از سخن گفتن بر اساس باطل و دشمنی، همانند آنچه منافقان انجام می دهند، پرهیز کنند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ۳۰/۲۸).

۲-۴. راهکارهای اجتماعی رفع عداوت و بغضاء

بخشی از راهکارهای رفع عداوت و بغضاء، ناظر به عرصه اجتماعی و فرهنگی است.

۱-۲-۴. اتحاد (همبستگی)

واژه «اتحاد» در لغت به معنای یکی شدن، یگانگی و همدستی، در برابر دوگانگی و تفرقه است (عمید، ۱۳۸۹ش: ۶۹/۱).

یکی از مهم ترین راهکارهایی که قرآن کریم بر آن تصریح کرده و وحدت و همبستگی پیروان ادیان، به ویژه مسلمانان، در گرو آن دانسته شده، اتحاد است. این صفت ارزشمند، نخستین راهکار اجتماعی در رفع عداوت و کینه توزی در سطح جامعه به شمار می آید. آیاتی از قرآن کریم نیز بر ضرورت اتحاد و پرهیز از تفرقه دلالت دارند. از جمله آیاتی که به اتحاد به عنوان راهکاری اجتماعی برای رفع عداوت استناد شده،

۱. «ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که نجوا می کنید، و به گناه و تعبدی و نافرمانی رسول (خدا) نجوا نکنید، و به کار نیک و تقوا نجوا کنید.»

آیه شریفه زیر است: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا...﴾^۱ (آل عمران: ۱۰۳).

آیه شریفه به روشنی بر اتحاد به عنوان یک راهکار اجتماعی تأکید دارد. با توجه به جایگاه والای این راهکار در رفع عداوت، برخی مفسران ذیل همین آیه، اتحاد را از مهم ترین و مؤثرترین راهکارها برای رهایی جامعه اسلامی از دشمنی و پراکندگی دانسته اند (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۵۷۲/۳-۵۷۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۹/۳؛ زحیلی، ۱۴۱۱: ۲۸/۴-۲۹؛ مراغی، ۱۳۶۵: ۱۷/۴).

زحیلی، مفسر اهل سنت، ذیل آیه ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ بیان می کند که مراد از چنگ زدن به ریسمان الهی، تمسک به کتاب خدا و پیمانی است که خداوند بر عهده پیروان ادیان توحیدی، به ویژه مسلمانان، نهاده است. این پیمان همان اتحاد و یکدلی در اطاعت خداوند و پیامبر اوست. بر این اساس، اتحاد موجب وحدت و همدلی مسلمانان پس از پراکندگی و دشمنی می شود. در حقیقت، آیه شریفه در مقام ارائه راهکاری اجتماعی و نیز هشدار نسبت به پیامدهای دوری از اتحاد است؛ زیرا ترک اتحاد، جامعه را گرفتار بلای بزرگ دینی، یعنی تفرقه، خواهد کرد (زحیلی، ۱۴۱۱: ۲۸/۴-۲۹).

۲-۲-۴. اَلْفَت بَيْن قُلُوب

واژه «الفت» در لغت به معنای خو گرفتن، انس گرفتن، دوستی و همدمی آمده است (عمید، ۱۳۸۹: ۱۶۴/۱). دومین راهکار اجتماعی که در این بخش مطرح می شود، همان راهکاری است که در آیه پیشین نیز به آن اشاره شد؛ یعنی «الفت میان قلوب». این صفت از عوامل مهم جلب محبت و از میان بردن دشمنی و خصومت است و در ایجاد همبستگی، وحدت و اتحاد میان مسلمانان نقش مؤثری دارد.

در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران، در کنار بحث اتحاد، به مسئله الفت نیز اشاره شده

۱. «و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل های شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید.»

است؛ اما در سوره انفال، این راهکار به صورت مستقل و صریح مطرح می شود: ﴿وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾^۱ (انفال: ۶۳).

خداوند متعال در این آیه به صراحت از الفت میان قلوب برای رفع دشمنی میان دو قبیله در مدینه یاد می کند. برخی مفسران نیز با استناد به این آیه، الفت میان قلوب را راهکاری اجتماعی برای رفع عداوت و بغضاء دانسته اند.

به نقل از علامه حسینی همدانی، آیه شریفه ناظر به جنگ های پی در پی میان دو قبیله اوس و خزرج است. این دو قبیله، به سبب شدت دشمنی، هر سال با یکدیگر درگیر جنگ بودند؛ اما خداوند متعال پس از پذیرش وحدت کلمه، میان دل های آنان الفت برقرار ساخت. در نتیجه، ریشه فساد و تباهی به سبب اسلام از میان آنان برچیده شد و دشمنی آنان به برادری و همدلی تبدیل گردید.

بر این اساس، الفت میان قلوب از آن جهت راهکاری اجتماعی و وحدت بخش است که مسلمانان، به ویژه در دوران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، تلخی آتش تفرقه، عداوت و کینه توزی را تجربه کرده بودند و می دانستند ایمان، اتحاد، محبت، الفت و برادری در سایه اسلام چه آثار و برکاتی در نجات آنان از آن وضعیت داشته است. از این رو، شگفت نیست که در جوامع اسلامی، راهکار «الفت میان قلوب» همچنان به عنوان مسئله ای راهبردی تلقی شود (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق: ۳۹۰/۷).

۳-۲-۴. عدالت ورزیدن

واژه «عدالت» در لغت به معنای امری است که نفوس با آن استوار و پایدار می مانند. عدالت به معنای امر میانه و در برابر ستم است که موجب ناپایداری می شود (ابن سیده، ۱۴۲۱ق: ۱۱/۲). عمید نیز عدالت را به معنای عادل بودن، انصاف داشتن و دادگر بودن دانسته است (عمید، ۱۳۸۹ش: ۷۵۵/۱).

یکی دیگر از راهکارهای ارزشمند اجتماعی در قرآن کریم که موجب آرامش خاطر

۱. «و دل های آنها را با هم، الفت داد! اگر تمام آنچه را روی زمین است صرف می کردی که میان دل های آنان الفت دهی، نمی توانستی! ولی خداوند در میان آنها الفت ایجاد کرد! او توانا و حکیم است.»

در جامعه اسلامی می‌شود، چیرگی عدالت است. این صفت، پس از الفت میان قلوب، از مؤثرترین راهکارهای اجتماعی و فرهنگی در مواجهه با عداوت و بغضاء به شمار می‌آید. قرآن کریم در آیه زیر، عدالت را به عنوان راهکاری مهم در برابر عداوت و کینه‌توزی مطرح می‌کند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ...﴾^۱ (مائده: ۸).

ظاهر آیه شریفه به روشنی دلالت دارد که عدالت از مهم‌ترین راهکارهای اجتماعی برای رفع عداوت است. برخی مفسران قرآن کریم نیز به این مسئله توجه کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۸۹ق: ۲۳۴/۶؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۲۸۶/۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۳۰۰/۴؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق: ۳۲۰/۱۱).

به نقل از ابوالفتوح رازی، خداوند متعال در این آیه مؤمنان را مخاطب قرار داده و آنان را به برپایی عدالت ترغیب کرده است. سپس می‌فرماید دشمنی با گروهی نباید سبب شود که مسلمانان از عدالت‌ورزی خودداری کنند؛ بلکه باید عدالت را اجرا کنند، زیرا عدالت به تقوا نزدیک‌تر است. بنابراین، اجرای عدالت در سطح جامعه اسلامی، نه صرفاً توصیه به آن، می‌تواند از مؤثرترین راهکارها برای رفع عداوت و بغضاء باشد و تأثیر بسزایی در ایجاد آرامش و امنیت اجتماعی داشته باشد (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۲۸۶/۶).

۴-۲-۴. اصلاح ذات‌البین

اصلاح در لغت به معنای سروسامان دادن، آشتی دادن، سازش دادن و سازش کردن آمده است (عمید، ۱۳۸۹ش: ۱۳۸/۱).

آخرین راهکاری که پس از عدالت‌ورزی در این پژوهش بررسی می‌شود، «اصلاح ذات‌البین» است. قرآن کریم در آیاتی به این صفت اشاره کرده و آن را از راهکارهای مؤثر در ایجاد سازش و آشتی در جامعه دانسته است. اصلاح ذات‌البین یکی از راهکارهای ارزشمند اجتماعی و فرهنگی در رفع عداوت و کینه‌توزی به شمار می‌آید.

۱. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترك عدالت نکشانند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیک‌تر است...».

از جمله آیاتی که اصلاح ذات‌البین را به‌عنوان راهکاری برای رفع عداوت و کینه‌توزی مطرح می‌کند، آیه شریفه زیر است: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۱ (انفال: ۱).

ظاهر آیه شریفه دلالت روشنی بر اصلاح ذات‌البین به‌عنوان راهکاری اجتماعی و مؤثر در رفع دشمنی و کینه‌توزی در سطح جامعه دارد. برخی مفسران نیز به این راهکار پرداخته‌اند (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۴/۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۸۰/۷؛ طیب، ۱۳۶۹: ۷۴/۶؛ زحیلی، ۱۴۱۱: ۲۴۵/۹؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۴۴۸/۱۵).

به نقل از آیت‌الله مکارم شیرازی ذیل این آیه، خداوند متعال مؤمنان را مورد خطاب قرار داده و به آنان فرمان می‌دهد که میان خود اصلاح کنند و میان مؤمنانی که در ستیز و دشمنی‌اند، آشتی و صلح برقرار سازند. از مسائل مهم صدر اسلام که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آغاز حکومت اسلامی با آن مواجه بود، مسئله غنائم جنگی بود؛ زیرا گاه مؤمنان به سبب غنائم دچار مشاجره با یکدیگر می‌شدند. ازاین‌رو، خداوند متعال برای جلوگیری از کینه‌توزی و آزدگی میان مؤمنان، به پیامبر خود فرمان داد که میان آنان اصلاح برقرار کند. یکی از ویژگی‌های اصلاح ذات‌البین، ایجاد تفاهم، تبدیل دشمنی به دوستی، تقویت ارتباطات و تحکیم پیوندهای اجتماعی است. ازاین‌رو، چنین اصلاحی می‌تواند موجب ریشه‌کن شدن عداوت و دشمنی در میان مؤمنان شود و مهم‌تر از آن، اجتماع مؤمنان را پس از پراکندگی ناشی از رنجش‌ها و کدورت‌ها، به اتحاد و همبستگی برساند. بنابراین، اصلاح ذات‌البین افزون بر آنکه راهکاری عملی در سطح جامعه است، وظیفه‌ای عمومی نیز به شمار می‌آید و همه افراد جامعه در برابر تحقق آن مسئول‌اند. آیه نهم سوره حجرات نیز تأکیدی دیگر بر همین معناست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۸۰/۷).

افزون بر این موارد، راهکارهای اجتماعی دیگری نیز در برخی آیات قرآن کریم برای رفع عداوت مطرح شده است که به اختصار عبارت‌اند از: صله رحم (رعد: ۲۱)، دوستی

۱. «از تو درباره انفال [غنائم، و هرگونه مال بدون مالک مشخص] سؤال می‌کنند؛ بگو: انفال مخصوص خدا و پیامبر است؛ پس، از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و خصومت‌هایی را که در میان شماست، آشتی دهید! و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید اگر ایمان دارید!».

با متقین (زخرف: ۶۷)، رعایت ادب و احترام به دیگران (مؤمنون: ۹۶؛ فصلت: ۳۴) و خوش رویی یا گشاده رویی در برابر دیگران (آل عمران: ۵۹).

نتیجه گیری

از مهم ترین دستاوردها و یافته های این پژوهش آن است که خداوند متعال در قرآن کریم اهتمام ویژه ای به برطرف کردن نزاع ها، تفرقه ها و خصومت هایی دارد که به عداوت و کینه توزی منتهی می شوند. این اهتمام از آن روست که عداوت و بغضاء، نه تنها برای جامعه اسلامی، بلکه برای کل جامعه بشری مصیبتی دردناک به شمار می آید. از همین جهت، خداوند متعال در آیه ۱۴ سوره مائده، قانونی جامع را برای مسلمانان بیان می کند؛ این که مسلمان نباید کینه توز باشد. کینه توزی و بغض از مؤثرترین عوامل پیدایش نفاق و تفرقه در هر اجتماع و از مهم ترین اسباب فروپاشی اتحاد و وحدت اجتماعی است. بر این اساس، هدف اصلی این پژوهش، تبیین و شناخت علل اخلاقی و اجتماعی عداوت و بغضاء و ارائه راهکارهایی برای زدودن آن ها از جامعه اسلامی بوده است؛ زیرا پیامدهای این دو رذیله، تفرقه، تشتت و سلب امنیت اجتماعی است.

بر پایه مباحث مطرح شده، راهکارهای رفع عداوت و بغضاء را می توان در دو دسته کلی اخلاقی و اجتماعی طبقه بندی کرد. راهکارهای اخلاقی عبارت اند از: پایداری در ایمان، صبر و شکیبایی، و نجوا به نیکی. راهکارهای اجتماعی نیز شامل اتحاد و همبستگی، الفت میان قلوب، عدالت ورزی و اصلاح ذات البین است. این راهکارها، بر اساس آیات قرآن کریم و دیدگاه مفسران، می توانند نقشی مؤثر در کاهش و رفع عداوت در جامعه اسلامی ایفا کنند.

فهرست منابع

کتاب‌ها

- قرآن کریم

۱. ابن سیده، علی بن اسماعیل، (۱۴۲۱ق)، *المحكم والمحیط الاعظم*، بیروت: دارالکتاب العلمیه.
۲. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، تصحیح: محمد هارون عبدالسلام، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۳. ابن عاشور، محمد طاهر، (۱۴۲۰ق)، *تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور*، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
۴. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد مقدس: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۵. آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۶. بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق)، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۷. حسینی همدانی، محمد، (۱۴۰۴ق)، *انوار درخشان در تفسیر قرآن*، تهران: لطفی.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۴ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دار القلم.
۹. رشیدرضا، محمد، (۱۴۱۴ق)، *تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار*، بیروت: دارالمعرفة.
۱۰. زحیلی، وهبه، (۱۴۱۱ق)، *التفسیر المنیر فی العقیلة و الشریعة و المنهج*، دمشق: دارالفکر، دوم.
۱۱. سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر، (۱۴۰۸ق)، *بیان السعادة فی مقامات العبادة*، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۲. طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، دوم.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۸۹ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح: فضل الله یزدی طباطبائی، تهران: ناصر خسرو، سوم.

۱۴. طیب، عبدالحسین، (۱۳۶۹ش)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: نشر اسلام، دوم.
۱۵. عسکری، حسن بن عبدالله، (۱۴۰۰ق)، *الفروق فی اللغة*، بیروت: دارالافتاء الجدیدة.
۱۶. عمید، حسن، (۱۳۸۹ش)، *فرهنگ فارسی جیبی*، تهران: راه رشد.
۱۷. فخررازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، سوم.
۱۸. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۵ق)، *القاموس المحيط*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۹. مراغی، احمد مصطفی، (۱۳۶۵ق)، *تفسیر المراغی*، بیروت: دارالفکر، دهم.
۲۰. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامیة، دهم.

مقالات

۱. سالاروند، شهین، (۱۳۹۳ش)، «راهکارهای ایجاد عداوت در جامعه از دیدگاه قرآن»، *مجله معرفت*، ۱۹۸، ۱۳۱-۱۴۴.
۲. شمشیری، بابک، (۱۳۹۹ش)، «ریشه‌ها، علل و پیامدهای کینه‌توزی از منظر آموزه‌ها و اخلاق اسلامی»، *مجله علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، (۱۰)، ۱۴۳-۱۶۴.